

## واژگان درس سوم کتاب زبان یازدهم - صفحه ۱

above	بالای، بیش از	be tired of	خسته شدن از	differently	به طور متفاوت
accept	پذیرفتن	beauty	زیبایی	discuss	بحث کردن
according to	مطابق با	begin	شروع کردن	dislike	متنفر بودن
achieve	دست یافتن، رسیدن	behavior	سلوک، رفتار	diversity	تنوع، گوناگونی
action	اقدام، عمل	belief	باور، عقیده	downward arrow	فلش رو به پایین
activity	فعالیت	bowing	تعظیم	draw	رسم کردن، نقاشی کردن
science	علم	brain	مغز	drive	رانندگی کردن
creative	خلاق، خلاقانه	careful	مراقب، محتاط	each other	یکدیگر
add	افزودن، اضافه کردن	careless	بی توجه، بی احتیاط	earn	به دست آوردن (پول)
adjective	صفت	carpet	فرش	economy	اقتصاد
advise	توصیه کردن	catch	گرفتن، رسیدن	education	تحصیل، آموزش
again	دوباره	certain	خاص، معین	element	عُنصر، عامل
agree	موافقت کردن	change	تغییر دادن	emotional	احساسی، عاطفی
also	همچنین	cheap	ارزان	enjoy	لذت بردن
amazed	شگفت زده	choose	انتخاب کردن	especially	مخصوصاً
among	بین چند چیز	classmate	همکلاسی	essay	مقاله، نوشته
another part	بخش دیگر	clause	جمله واره، عبارت	everyone	هر کس
antonym	متضاد	clothing	پوشاک	everything	هر چیزی
appreciate	قدردانی کردن	collection	مجموعه	example	نمونه، مثال
art	هنر	combination	ترکیب	excellent	عالی
art gallery	گالری هنری	come from	آمدن، حاصل شدن	exist	وجود داشتن
artifact	محصول هنری	communicate	منتقل کردن	expect	انتظار داشتن
artist	هنرمند	condition	شرط، وضعیت	experience	تجربه
artistic work	اثر هنری	conditional sentence	جمله شرطی	explain	توضیح دادن
artwork	اثر هنری	confused	گیج، مبهوت	face	مواجه شدن
ashamed	شرمنده	correctly	به درستی	fall	افتادن
attempt	تلاش کردن، کوشش	craft	حرفه، پیشه، صنعت	falling intonation	آهنگ افتان
attitude	نگرش، رفتار	craftsman	صنعت گر مرد	false	نادرست
based on	بر اساس	create	خلق کردن، ساختن	feeling	احساس
be able to	توانستن	cultural	فرهنگی	finish	تمام کردن
be amused by	سرگرم شدن با	custom	سنت، رسم	flower	گل
be bored with	کسب شدن از	decide	تصمیم گرفتن	for instance	به طور مثال
be frightened	ترسیدن از	decrease	کاهش یافتن	forget	فراموش کردن
be surprised at	متعجب شدن از	develop	توسعه دادن، ایجاد کردن	former	سابق، قبلی
				fortunate	خوشبخت، خوش شانس

## واژگان درس سوم کتاب زبان یازدهم - صفحه ۲

future	آینده	in fact	در حقیقت	natural	ملی
gerund	اسم مصدر	include	شامل شدن	nature	طبیعت
get along with	کنار آمدن با	including	شامل، از جمله	nearby	نزدیک، اطراف
get back	بازگشتن	income	درآمد	neighbor	همسایه
get depressed about	افسرده شدن به خاطر	increase	افزایش یافتن	no matter	مهم نیست
glad	شاد، خوشحال	infinitive	مصدر با to	objects	اشیا
go well	خوب شدن	information	اطلاعات	on time	به موقع
good mark	نمره ی خوب	interesting	جالب	opposite	متضاد، مخالف
greatly	زیاد، شدیداً	introduce	معرفی کردن	other than	به جز
greet	احوالپرسی کردن	jump	پریدن	own	خود
group	گروه، دسته	just	فقط، صرفاً	painting	نقاشی
grow up	بزرگ شدن	kid	بچه، کودک	palm	کف دست
handicraft	صنعت دستی	late	دیر	part	بخش، قسمت
handshaking	دست دادن	let's=let us	بیایید...	pass	گذشتن، قبول شدن
happen	اتفاق افتادن	lifestyle	شیوه ی زندگی	past participle	اسم مفعول
have to	مجبور بودن	light	نور، روشنایی	phone	تلفن کردن
heart attack	حمله ی قلبی	like	مثل، مانند	physical	جسمی
helpful	مفید، سودمند	lucky	خوشبخت	plan	برنامه داشتن، نقشه
historical site	مکان تاریخی	machine	دستگاه، ماشین	pleasure	لذت، خوشی
history	تاریخ	make noise	سروصدا کردن	poem	شعر
holiday	روز تعطیلی	man	مرد، انسان	poet	شاعر
hometown	سرزمین، وطن	market	بازار، فروشگاه	pottery work	اثر سفالینه
hope	امیدوار بودن	mean	معنی دادن	power	قدرت، انرژی
hug	در آغوش گرفتن	meaning	معنا	practice	کار کردن، تمرین
humankind	بشر، انسان	mental	ذهنی	prefix	پیشوند
hurry up	عجله کردن	miss	از دست دادن، نرسیدن	present job	شغل فعلی
hurt	صدمه دیدن، آسیب	mistake	اشتباه	present time	زمان حاضر
idea	ایده، نظر، عقیده	moral	اخلاق، اخلاقی	pressing	فشار
identity	هویت	mosque	مسجد	prize	جایزه
illness	بیماری	most common	رایج ترین	produce	تولید کردن
imagination	تخیل، تصور	move	حرکت کردن	promise	قول دادن
imagine	تصور کردن	museum	موزه	public transportation	حمل و نقل عمومی
improve	بهبود بخشیدن	name	نامیدن	quickly	به سرعت
in a right way	به طریق درست	nation	ملت، کشور	quite	کاملاً، خیلی، نسبتاً

## واژگان درس سوم کتاب زبان یازدهم - صفحه ۳

really	واقعاً	smoke	دود کردن، سیگار کشیدن	together	با همدیگر
refer to	اشاره داشتن به	so excited	بسیار هیجان زده	totally	کلاً، کاملاً
reference	مرجع	sociable	معاشرتی، خوش برخورد	translator	مترجم
reflect on	بازتاب دادن، نشان دادن	at least	حداقل	travel	سفر کردن
relationship	ارتباط، ارتباط	social	اجتماعی	try	سعی کردن، امتحان
remember	به یاد آوردن	society	جامعه	turn off	خاموش کردن
repeat	تکرار کردن	soft	نرم، لطیف	ugly	زشت
report	گزارش کردن	somebody	کسی	unimportant	بی اهمیت
respect	احترام کردن	something	چیزی	upward arrow	فلش رو به بالا
respectful	مودب، آبرومند	sometimes	گاهی	value	ارزش، ارزش گذاشتن
result	نتیجه، پیامد	sorry	متاسف، ناراحت	vocabulary	واژگان
richest	غنی ترین	souvenir	سوغاتی	wait	منتظر ماندن
right and wrong	درست و نادرست	spend	گذراندن	want	خواستن، طلبیدن
rise	بالا رفتن، افزایش	start	شروع کردن	war	جنگ
rising intonation	آهنگ خیزان	step	گام، مرحله، پله	warm	گرم
risk	خطر	strategy	سازوکار	weight	وزن، سنگینی
river	رود	stress	فشار، اضطراب	well-known	معروف، نامی
rug	قالی	subject	نهاد، موضوع	wellness	سلامتی
sad	غمگین	successful	موفق	whenever	هر گاه
sadly	متأسفانه	such as	از قبیل	without	بدون
satisfied	راضی، خشنود	suffix	پسونده	wood	چوب
scan	پیمایش سریع متن	surprised	متعجب	work	کار، اثر هنری
seem	به نظر رسیدن	system	سامانه، سیستم	yourself	خودت
shared	مشترک	take note	یادداشت کردن		
shocked	شوکه شده	take part in charity	شرکت در امور خیریه		
show	نشان دادن	talk about	گفتگو در مورد		
silk	ابریشم	tell the truth	حقیقت را گفتن		
similar	مشابه	text	متن		
simple	ساده	the news	اخبار		
simply	به سادگی، واقعاً	the rest	مابقی، بقیه		
skill	مهارت	therefore	بنابر این		
skillful	ماهر، استادکار	think about	فکر کردن در مورد		
sleep	خوابیدن	thought	اندیشه، فکر		
slowly	به آهستگی	to death	تا حد مرگ		